

## تأملی بر هویت شناسی و سودمندی تاریخ در فرهنگ و تمدن سازی\*

عباس ایزدی فرد

### مقدمه

### بیان مسأله

از یک صد و پنجاه سال قبل که مدارس جدید و دانشگاه‌ها در ایران ایجاد شدند، دانش فقه و اصول، نقطه کانونی تحصیل در حوزه‌های علمیه شدند. هرچند فلسفه و تفسیر نیز آخرین رمق حیات را طی می‌کردند اما متفکرانی همانند امام خمینی، علامه طباطبایی و... تکیه گاهی شدند تا آن شاخه‌ها، اندک رمقی یافته و با رسیدن جویبار خروشان انقلاب اسلامی و با «انفجار نور»، به شکوفایی و بهار علم و دانش امیدوار شوند. از دستاوردهای جمهوری اسلامی، می‌توان از مؤسسات آموزش عالی در همسایگی حوزه‌های علمیه نام برد که برای تحصیل طلاب در گرایش‌های تخصصی - تاریخ اسلام، تاریخ تشیع، تاریخ اهل بیت علیهم‌السلام و... - در کنار فقه و اصول تأسیس شده

---

\*. چهارچوب نظری این مقاله برگرفته از مقاله آقای دکتر حسن حضرتی با عنوان «امام خمینی و دانش تاریخ» است.  
ر. ک به <http://hassanhazrati.blogfa.com>

است. تاریخ و بخصوص تاریخ اسلام و بطور اخص تاریخ تشیع و تاریخ اهل بیت علیهم السلام کانون و منبع صدور فقه و سایر دانش‌های با مشرب اسلامی است. بسیاری معتقدند که تاریخ اسلام و جریان‌های سیاسی، فکری، اجتماعی و... تاریخ صدر اسلام؛ بستر فهم تمام دانش‌های اسلامی است. جریان غالب سیاسی، فکری، اجتماعی و... صدر اسلام در قبضه‌ی اهل سنت بوده است و علوم اهل بیت علیهم السلام و تشیع در حاشیه آن شکل گرفته است و به ناچار برای فهم سنت اسلامی با مشرب اهل بیت علیهم السلام باید تاریخ اسلام به نحو کامل بررسی شود تا علت صدور بسیاری از روایت‌های شیعه بدست آید.

### سوال اصلی و سؤالات فرعی تحقیق

سؤال اصلی نوشتار حاضر آن است که؛ جایگاه و اهمیت دانش تاریخ و به خصوص تاریخ اسلام در عرصه‌ی زندگی، تحولات، اندیشه‌ها، فرهنگ و تمدن اسلامی چیست؟ و سؤالات فرعی این که آیا تاریخ دانش است و سودمند؟، آیا می‌توان نقش کاربردی برای تاریخ قایل شد و قواعد و کلیاتی از آن استخراج کرد؟، آیا مصادیق خارجی ناظر به سودمندی تاریخ وجود دارد و چگونه در حال حاضر قابل استفاده می‌باشد؟.

### فرضیه پژوهش

تاریخ با هدف ثبت وقایع و حوادث برای قضاوت آیندگان و عبرت آموزی از رویدادهای گذشته به یک علم جنبی و حاشیه‌ای تبدیل شده است اما اگر تاملات فلسفی و استخراج سنت‌های لایتغیر اجتماعی (والهی) از آن مورد توجه قرار گیرد، جزء شریف ترین و سودمندترین علوم شمرده خواهد شد.

### علت عدم گفتمان سازی دانش تاریخ در تمدن اسلامی

#### الف: عدم توجه کافی به علم تاریخ

اگر چه مسلمانان، به شأن تذکر و عبرت‌گیری از تاریخ، توجه زیادی نشان داده‌اند، اما در طبقه بندی علوم، هیچ گاه تاریخ به دانشی مستقل در نزد اندیشمندان بزرگ - همچون فارابی و ابن سینا - نرسید. هرچند ابن خلدون در اثر ارزشمند خود (مقدمه

العبر) تاریخ را نوعی حکمت می‌داند<sup>۱</sup>، اما در طبقه‌بندی علوم، حتی آن را در میان علوم نقلی هم قرار نداده است.<sup>۲</sup>

### ب: فقدان تأملات فلسفی در علم تاریخ

در تمدن مسلمانان، علاوه بر عدم توجه به تاریخ به عنوان یک علم، تأملات فلسفی در دانش تاریخ مورد توجه جدی قرار نگرفت. تاریخ در طبقه‌بندی علوم نیز، مورد توجه اندیشمندان مسلمان قرار نگرفت و از آن به عنوان دانش علمی مستقل، سخنی به میان نیامد، هرچند برخی به شرافت موضوعی و اخلاقی تاریخ توجه کرده‌اند. ابوالحسن علی بن زید بیهقی معروف به ابن فندق (م ۵۶۵ هـ) در اثر ارزشمند «تاریخ بیهقی» مقدمه‌ای درباره اهمیت، ارزش و فایده علم تاریخ نوشته و آن را - هم‌ردیف با علم حدیث و علم انساب - جزو علوم شریف معرفی کرده است، اما شرافتی که، تنها شرافت موضوعی و اخلاقی است و به شرافت روشی تعمیم پیدا نکرده است، از نظرگاه او، علم تاریخ «علمی شنیداری» است که در آن «انسان مبتنی بر قوه‌ی حس» با مجموعه‌ای از گزاره‌های مبتنی بر «حفظ مطلق» سر و کار دارد.<sup>۳</sup> بنابراین تاریخ‌شناسی به زعم او در ردیف «علوم اخس» قرار می‌گیرد که با قوه‌ی عقل نسبتی ندارد و علمی است آسان فهم که مبتنی بر «نقل» است.

### ج: سایه استبداد سیاسی بر علم تاریخ

عامل سوم در عدم گفتمان سازی علم تاریخ در تمدن مسلمانان؛ استبداد بی‌امان حکومت‌های اسلامی، سلطه طلبی حاکمان و به خدمت گرفتن مورخان و دانش تاریخ و حمایت مالی، سیاسی و... آنان توسط حکومت‌ها است. در این مورد امام خمینی علیه السلام می‌فرماید:

«اکثر مورخین، تاریخ را آن گونه که مایلند و یا بدان گونه که دستور گرفته‌اند، می‌نویسند، نه آن گونه که اتفاق افتاده است. از اول می‌دانند که

---

۱. عبدالرحمن بن خلدون، مقدمه ابن خلدون، ترجمه محمد پروین گنابادی، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۵ش، ج ۱، ص ۲.  
۲. همان، ج ۲، ص ۸۸۳.  
۳. ابوالحسن علی بن زید، تاریخ بیهقی، به کوشش: دکتر قاری سید کلیم الله حسینی، حیدرآباد: دائرة المعارف العثمانیه، ۱۹۶۸م، ص ۱۱.

کتاب شان بناست به چه نتیجه‌ای برسد و در آخر به همان نتیجه هم می‌رسند»<sup>۱</sup>. «امروز کتاب‌ها و رساله‌های فراوانی چاپ و یا در دست چاپ است که عامدا یا اشتباها برای دروغ پردازی و تاریخ سازی بنا شده است»<sup>۲</sup>.

به دلیل ارتباط تنگاتنگی که بین دانش تاریخ و گفتمان قدرت و سیاست وجود دارد و حساسیت ویژه‌ای که از سوی صاحبان قدرت اعمال می‌گردد، عرصه برای ورود صاحبان واقعی فکر و اندیشه در قلمرو تاریخ‌نگاری تنگ و محدود بوده است. سلطه استبدادی حاکمان، اجازه رشد و نمو تأملات عقلی را در حوزه تاریخ نداده است و غالب آنانی هم که در عرصه تاریخ ورزی وارد شده‌اند، وظیفه‌ی خود را به توصیف و نقل صرف محدود نموده و فراتر از آن را به صلاح نمی‌دانستند.

### ناسودمندی یا فایده‌مندی تاریخ

آنانی که قائل به شرافت موضوعی و اخلاقی دانش تاریخ هستند، با پیش فرض سودمندی تاریخ و امکان درس گرفتن از آن، در باب فایده تاریخ سخن گفته‌اند. به عبارت دیگر سخن گفتن در باره شرافت موضوعی و اخلاقی تاریخ ذیل بحث فایده‌مندی و یا عدم فایده‌مندی تاریخ طرح می‌شود که در نگاه کلان دو دسته اصلی را تشکیل می‌دهند؛ دسته نخست اعتقادی به سودمندی تاریخ ندارند و اساسا انسان را در درس گرفتن از آن ناتوان می‌دانند، اما دسته دوم با اعتقاد به فایده‌مندی تاریخ، توجه انسان به آن در متن زندگی را، بسیار سودمند ارزیابی می‌کنند.

### ۱- ناسودمندی تاریخ

۱-۱: تکرار ناپذیری تاریخ

تاریخ تکرار نمی‌شود. هر حادثه و شرایط تاریخی، منحصر به فرد است. شاید تشابهاتی میان حوادث و شرایط تاریخی وجود داشته باشد، اما تاریخ به طور عینی تکرار پذیر نیست. انسان در شرایط و موقعیتی زیست می‌کند که همیشه آن شرایط، تکرار

۱. سید روح الله (امام خمینی رحمته‌الله‌علیه)، موسوی خمینی، صحیفه نور، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمته‌الله‌علیه،

۱۳۷۵ ش، ج ۲۱، ص ۲۳۹.

۲. همان، ج ۱۷، ص ۳۴۳.



ناپذیر، خاص و ویژه است، به این معنا که قابل مقایسه و تطبیق با هیچ شرایط تاریخی دیگری نیست.

#### ۱-۲: تشابه سازی و همسان پنداری

تشابه سازی و همسان پنداری شرایط اکنون با گذشته از دیگر علل ناسودمندی تاریخ است. تشابه سازی‌ها، گاهی مورخ را به نتیجه گیری‌های غیر واقعی سوق می‌دهد که حاصلی جز خسران ندارد. هر موقعیت تاریخی، «خاص» و «منحصر به فرد» است. تعمیم دادن یا برابر انگاری و تشابه سازی گذشته و حوادث آن با موقعیت‌های زمان حال، برای برون رفت از مسائلی که انسان اکنون مبتلا به آن می‌باشد، خطا و بی‌حاصل است و حتی می‌تواند انسان را درگیر مسائل تازه‌تری بنماید.

#### ۱-۳: گزینشی برخورد کردن

تاریخ انبانی از داده‌های تاریخی و ضد و نقیض است که هر مراجعه کننده‌ای، از آن چیزی را می‌پسندد که با پیش فرض‌های سازگاری دارد و درمقابل، آنچه را که با افکار و اندیشه‌ها و پیش فرض‌های ناسازگار است، به کناری گذاشته و یا نمی‌بیند. همه ادعا دارند که دنبال واقعیت‌های تاریخی هستند و بر اساس آن واقعیت‌ها، پی‌گیر شناخت و بهسازی هر چه بهتر جامعه امروزی هستند. در این رویکرد، داده‌های تاریخی در حکم ابزاری، در اختیار جریان‌ها، گروه‌ها و مشرب‌های فکری گوناگون قرار می‌گیرد که هر کدام ادعای نشان دادن راه سعادت و خوشبختی را برای انسان دارند.

#### ۱-۴: کنونی اندیشی

بدترین شیوه برای بررسی تاریخ و گذشته، بررسی آن با نگاه معطوف به امروز است. بسیاری از تفکرات و اندیشه‌ها در بستر زمان شکل گرفته است و در برخورد با بحران‌ها تولید شده است و حرکت تکاملی اندیشه و تفکر قابل انکار نیست. تسری فکر و اندیشه‌ی امروزی به گذشته و استنتاج‌های مدرن و به روز شده، از حوادث تاریخی، از بزرگ‌ترین تحریف‌ها و جعل تاریخ است.. هر تاریخی که به قصد تبلیغات و اشاعه مرام نوشته شده باشد، ناشی از کنونی اندیشی است و هدف رسیدن به مقاصد امروزی است.

## ۵-۱: تأثیر محیط و هنجارهای مورخان در نقل و بررسی تاریخ

یکی دیگر از مباحثی که در حوزه معرفت‌شناسی تاریخی مطرح است و تاریخ را از سودمندی محروم می‌نماید، تفاوت روح انسان‌ها، سلیقه‌ها، افکار، محیط زندگی و... مورخان است. «افراد به دلایل مختلف وراثتی، اقلیمی، اجتماعی و تربیتی» از دلبستگی، منش‌ها و گرایش‌های فکری متفاوتی برخوردار هستند<sup>۱</sup>، تاریخ، تاریخ نزع مزاج‌های مختلف بشری است. مولفه‌هایی مانند زمان، مکان، ساخت قدرت و ارزش‌های مورخان، زاویه دید آنان را در گزارش تاریخ شکل می‌دهد و اجازه نگاه بی‌طرفانه به حوادث را از مورخان سلب می‌کند. زیرا هیچ مورخی در نقطه مختصات صفر و خلا نمی‌ایستد تا به گزارش حوادث بپردازد. بلکه همواره از منظری خاص به منظره تاریخ می‌نگرد.

## ۲. سودمندی تاریخ

## ۱-۲: عبرت‌گیری از تاریخ

گروهی از اهل نظر بر آن اعتقادند که تاریخ، علمی سودمند است که انسان با درس گرفتن از آن می‌تواند خوشبختی دنیوی و سعادت اخروی را برای خود رقم بزند. خیلی از نویسندگان دوره سنت، به مقوله «عبرت» تاکید دارند. عبرت از تاریخ دارای فواید دنیوی و اخروی است. خردمندان به مصداق «فَاعْتَبِرُوا يَا أُولِيَ الْأَبْصَارِ»<sup>۲</sup>؛ «فَاعْتَبِرُوا يَا أُولِيَ الْأَلْبَابِ»<sup>۳</sup> سفارش به بررسی احوال گذشتگان دارند و مقصود اصلی از آن کسب فایده دین و دنیا است، چنان که خداوند در قرآن کریم فقط به سرگذشت انبیا و اولیا - که پادشاهان دین و دنیا هستند - اکتفا نکرده و احوال کافران، فاجران و فاسقان را هم ذکر فرموده است «فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ»<sup>۴</sup>. تاریخ عرصه تجلی و ظهور انبیا، اولیاء و مردان بزرگی است که مطالعه و تأمل در سرگذشت آنان، انسان را به سمت تعالی و شناخت هر چه بیش‌تر خدا و انسان سوق می‌دهد. تاریخ از آن حیث

۱. محمد ابوزهره، تاریخ المذاهب اسلامیة، قاهره: دارالفکر العربی، بی تا، ص ۸.

۲. سوره حشر، آیه ۲.

۳. سوره یوسف، آیه ۱۱۱.

۴. سوره روم، آیه ۹.



که همواره برای انسان، عبرت‌گیری از گذشته را به دنبال دارد و نیک و بد احوال پیشینیان را به یاد می‌آورد؛ عرصه عبرت و تذکر است و شریف است:

«ذکر احوال رجال بزرگ و اولیاء و انبیاء که در قرآن کریم و احادیث شریف وارد شده، برای تاریخ‌گویی نیست، بلکه برای تکمیل بشر است که از حالات بزرگان عالم عبرت گیرند و خود را به صفات کریمه آنان و اخلاق فاضله ایشان متصف کنند»<sup>۱</sup>.

بنابراین می‌توان گفت؛ دانش تاریخ چون عرصه‌ی عبرت، تذکر و شناخت سرگذشت نیکان است، از جایگاه متعالی در فرهنگ اسلامی برخوردار است. به عبارت دیگر، مفهوم تاریخ در اندیشه اسلامی از بار معنایی مثبتی برخوردار است. علم تاریخ بیش از آن‌که عرصه‌ی تاخت و تاز شخصیت‌ها و حوادث منفی باشد، میدان و جولانگاه خوبان و نیکان است. ساحتی که حقایق و واقعیت‌ها در آن عریان می‌شود و حق به حقدار می‌رسد و حقانیت مظلومان و ستم‌دیدگان در مقابل ستمگران و ظالمان به اثبات می‌رسد. از این نظر، تاریخ میدان رسوایی بدان می‌باشد و دادگاهی بی‌رحم که ناگزیر، روزی برای ستمگران تشکیل می‌شود.<sup>۲</sup>

۲-۲: هویت بخشی و تداوم انسجام اجتماعی

در دوره مدرن، مقوله هویت بخشی به ملت‌ها در فایده‌مندی تاریخ مورد توجه جدی قرار گرفته است. در قرن بیستم و با ظهور کشورهای جدید و تازه تأسیس و شکل‌گیری جریان‌های فکری ناسیونالیسم، قوم‌گرایی و... تاریخ برای اخذ هویت ملی و قومی، به مهم‌ترین ابزار هویت‌ساز تبدیل شد.

علاوه بر نقش تاریخ در تشکیل هویت فردی و جمعی که عرصه‌ای است تا انسان در آن رگ، ریشه و اصالت‌اش را جستجو کند و به وسیله آن «خود» را تعریف کند و به آن ببالد، اندیشمندان اسلامی به خصوص در قرن بیستم با طرح نظریه بازگشت به خویشتن، به تاریخ اسلام توجه ویژه‌ای کرده‌اند. «ما تا تمام حیثیت خودمان را نفهمیم،

۱. سید روح‌الله (امام خمینی ره)، موسوی خمینی، شرح حدیث «جنود عقل و جهل»، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار

امام خمینی ره، ۱۳۷۷ش، ص ۳۴۸.

۲. همان، ج ۱۰، ص ۷۶.

نفهمیم که چی بودیم، ما در تاریخ چه بوده و چه هستیم، چه داریم، تا این‌ها را نفهمیم، استقلال نمی‌توانیم پیدا بکنیم»<sup>۱</sup>.

از سوی دیگر، در جهان معاصر با ظهور اندیشه جهانی سازی و همگرایی و گسترش وسایل ارتباط جمعی، حفظ هویت‌های قومی، محلی و منطقه‌ای دغدغه اصلی کسانی شد که خود را در معرض اندیشه‌ها و فرهنگ‌های مسلط جهانی احساس می‌کنند. در این اوضاع و احوال، تاریخ به عنوان شناسنامه هویتی هر قوم و ملتی، عزیز شمرده می‌شود. بنابراین فایده‌گرایان در دوره مدرن به تاریخ به سبب ویژگی هویت بخش و عامل تداوم انسجام اجتماعی، تاکید زیادی می‌نمایند.

۲-۳: امکان استخراج قواعد عام و کاربردی از تاریخ

در فایده‌مندی دانش تاریخ اسلام و به خصوص تاریخ تشیع و اهل بیت علیهم‌السلام، می‌توان ایده‌های جدیدی طرح کرد. باید مدار دانش تاریخ اسلام، بر قوه عقل استوار گردد و مهم‌ترین قوه‌ی انسانی - قوه عقل و استنتاج - در دانش تاریخ درگیر شود. باید میزان و معیار اصلی سنجش و ارزیابی داده‌های تاریخی را عقل انسانی دانست و اگر «روایاتی در کتاب‌ها باشد که با عقل انسان نسازد، باید همان روایات را کنار گذاشت»<sup>۲</sup>. در گام دوم، باید از تاریخ علاوه بر عبرت‌گیری و پیوند داده‌های تاریخی با قوه عقل و استنتاج؛ قواعد و دستور العمل و آیین زندگی را استخراج کرد. تاریخ تکرار می‌شود یا نه؟؛ دیگر پرسش مهمی نیست بلکه همان طور که قرآن کریم تأکید می‌نماید سنت‌های الهی تغییر ناپذیری وجود دارد که بر همه حوادث، رویدادها و اتفاقات جهان حاکم است.<sup>۳</sup>

«...[مورخ واقعی آن است که] از تاریخ بزرگان دین و ائمه معصومین، اکتفا به سال و روز وفات و تولد و مقدار عمر شریف و امثال این امور - که چندان فایده بزرگی ندارد - نکند، بلکه عمده سیر او در سیر و سلوک

۱. همان، ج ۴، ص ۷۶.

۲. سید روح الله (امام خمینی رحمته‌الله‌علیه)، موسوی خمینی، کشف الاسرار، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمته‌الله‌علیه، ۱۳۷۵ش، ص ۳۱۷.

۳. سوره احزاب، آیه ۶۲؛ سوره فتح، آیه ۳۳ و سوره فاطر آیه ۴.





ایمانی و عرفانی آنها باشد که معاملات آنها در عبودیت چه بوده و در سیر الی‌الله چه مشیی داشته‌اند و مقامات عرفانی آنها که از کلمات آنها بدست می‌آید چه اندازه بوده؟... [متأسفانه ما] از تاریخ حیات آنها [انبیاء و ائمه هدی علیهم‌السلام] به قشر و صورت اکتفا کردیم و از آن چه غایت بعثت انبیاء علیهم‌السلام است، به کلی صرف نظر کرده‌ایم.<sup>۱</sup>

### مصادیق تاریخی ناظر بر امکان استخراج قواعد عام و کاربردی از تاریخ

حوادث و رویدادهای تاریخی محصول و معلول علت‌ها هستند، اگر نگاه دقیق تری به آنها داشته باشیم، به وضوح، علت وقوع حوادث، تکامل و شکست آنها، قابل فهم و بررسی است. شاید تاریخ تکرار نشود و هر حادثه و شرایط تاریخی؛ منحصر به فرد باشد، اما علت حادثه قابل بررسی است و می‌توان از آن رویدادها؛ قواعد، قوانین عام و اصول کلی را که در قرآن از آن به «سنت‌های لایتغیر»<sup>۲</sup> یاد شده است، استخراج کرد. به طور کلی اگر نتوانیم ادعا کنیم که تاریخ تکرار می‌شود، اما می‌توانیم بگوییم که رویدادها و حوادث معلول علت‌هایی هستند که با بررسی آنها؛ می‌توان علاوه بر کسب آگاهی و عبرت‌آموزی، به کشف قواعد و قوانین عام دست یافت که در ذیل دو نمونه آن، بررسی می‌گردد؛

### الف) مرزهای قدرت در نظام سیاسی و تکرار پذیری آن

در نظام و سیستم‌های سیاسی این سؤال مطرح است که حد و مرز سیاست خارجی چیست؟ دولت تا کجا مجاز به اعمال قدرت سیاسی است؟ و می‌تواند خود را در معرض تحولات و حوادث مربوط قرار دهد؟، به عبارت دیگر آیا ضرر و زیان ساکنان آن کشور و آن محدوده و مرزهای جغرافیایی برای او اهمیت اصلی را دارد؟ و یا مرزهای جغرافیایی و یا منافع آنان اولویت را تعیین نمی‌کند، بلکه ایدئولوژی و گفتمان نظام سیاسی است که تعیین‌کننده است و هر جا که اقتضاء نماید، نظام سیاسی مُلزم به دخالت و هزینه است؟.

۱. سید روح‌الله (امام خمینی ره)، موسوی خمینی، آداب الصلوة، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی ره،

۱۳۷۵ش، ص ۱۴۷.

۲. سوره احزاب، آیه ۶۲؛ سوره فتح، آیه ۳۳ و سوره فاطر آیه ۴.

## ۱. مرزهای قدرت در جمهوری اسلامی ایران

پس از تشکیل دولت جمهوری اسلامی ایران؛ حفظ و ارتقای جمهوری اسلامی ایران و صدور انقلاب اسلامی، از مسائل اساسی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران گردید. دولت موقت در پی استفاده از ظرفیت اسلام برای افزایش «رفاه ملی» بود، پس از آن اندیشه «صدور انقلاب اسلامی» قوت گرفت و جمهور اسلامی ایران، از همه جنبش‌ها و نهضت‌های اسلامی و ضد استعماری در سراسر جهان حمایت می‌نمود. با خاتمه جنگ تحمیلی و شروع دوره سازندگی، سیاست «افزایش روابط با دولت‌های مستقر» در پیش گرفته شد و اوج آن در دولت اصلاحات بود که به طور رسمی سیاست «تنش زدایی» گفتمان اصلی دولت شد. بنابراین سه نظریه؛ «ملی‌گرایی اسلامی»، «صدور مطلق انقلاب» و نظریه «ام القری» در جمهوری اسلامی ایران، تلاش کرده‌اند تا مبانی نظری لازم را، برای ترسیم مرزهای قدرت و تحلیل سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران فراهم نمایند.

نظریه «ملی‌گرایی اسلامی» آرمان حکومت جهانی واحد در عصر ظهور امام زمان (عج) را می‌پذیرد، اما در دوره غیبت بیش‌تر بر اهداف ملی و خدمت به وطن از طریق اسلام نظر دارد. این نظریه؛ مبتنی بر پذیرش مرزهای جغرافیایی و ملی، مجاز بودن هزینه امکانات و منابع ملی در درون مرزهای ملی و در نهایت با ساختن جامعه‌ای الگو در داخل کشور، می‌تواند از مسلمانان جهان با ابزارهای اخلاقی و دیپلماسی رایج در مجامع بین‌المللی حمایت نماید.<sup>۱</sup>

در اندیشه «صدور مطلق انقلاب» رفع نیازهای داخلی، وسیله و هدف فرعی است. وظیفه اصلی دولت اسلامی، کمک به آرمان‌های جهانی اسلام است. دولت اسلامی مکتب‌گرا و تکلیف‌محور است که در قالب تعرض به ابرقدرت‌ها و حمایت از مسلمانان و مظلومان جهان محقق می‌شود.<sup>۲</sup>

۱. سید صادق حقیقت، مسئولیت‌های فراملی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی، ایران، تهران: مرکز تحقیقات

استراتژیک، ۱۳۷۶ش، ص ۶۱ - ۶۳

۲. همان، صص ۷۰ - ۷۱.

نظریه «ام القری» سومین اندیشه می‌باشد که معتقد است:

۱ - جهان اسلام یک امت واحد است و ولی امر در قبال تمام امت مسوولیت دارد،  
۲ - رهبری امت، ملاک وحدت امت است و کشوری، ام القرای جهان اسلام است که امکان رهبری امت را دارد، ۳ - اکنون ایران ام القری و رهبر جمهوری اسلامی ایران، ولایت بر جهان اسلام را بر عهده دارد. در تراحم بین مقتضیات ام القری و جهان اسلام، همواره مصالح امت جهانی اسلام اولویت دارد، مگر هستی ام القری مورد تهدید واقع شود.<sup>۱</sup>

۲. مرزهای قدرت در دولت فاطمیان مصر

توافق یا تضاد منافع « دولت با انقلاب و ایدئولوژی » در دولت‌های دینی و حتی دولت‌های ایدئولوژیک مادی گرا مطرح بوده است و لکن در دولت فاطمیان مصر (۵۶۷-۲۹۷ ه ق) با شدت و حدت بیش‌تری مطرح شد. دولت فاطمی مصر، ادعای خلافت بر تمام جهان اسلام با نگرش شیعه اسماعیلیه داشت و موفق شد علاوه بر مصر و شمال آفریقا، سوریه و حجاز را به تصرف درآورد و حتی توسط حامیان آنان در مرکز خلافت عباسی - بغداد - خطبه به نام خلیفه فاطمی مصر خوانده شد.<sup>۲</sup> دولت فاطمی مصر از حرکت‌ها و جریان‌های مخالف دولت عباسی و به خصوص جنبش‌های اسماعیلی در سراسر جهان اسلام حمایت می‌نمود. فشارهای خارجی، ناکارآمدهای داخلی و عوامل جغرافیایی و طبیعی؛ دولت فاطمی را دچار تنگناهای شدیدی نمود<sup>۳</sup> و آغازگر این بحث شدند که امکانات و منابع دولت را باید در داخل مرزهای جغرافیایی و برای دولت فاطمی هزینه کرد و یا این که باید همچنان از نهضت فاطمیان (اسماعیلی) در سراسر جهان حمایت نمود؟

در حکومت «المستنصر بالله» که از ۴۲۷ تا ۴۸۷ و به مدت شصت سال حکومت

۱. محمدجواد لاریجانی، مقولاتی در استراتژی ملی، تهران: مرکز ترجمه و نشر، ۱۳۶۹ش، صص ۴۹ و ۴۷.

۲. ابی‌عبدالله محمد الصنهاجی، اخبار ملوک بنی عبید و سیرتهم، ترجمه حجت‌الله جودکی، تهران: امیرکبیر، ۱۳۷۸ش، صص ۹۵.

۳. حسن ابراهیم حسن، تاریخ سیاسی اسلام، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران: جاویدان، ۱۳۷۶ش، ج ۳، صص ۵۱۱.

کرد، علامت‌های بحران بروز کرد و حکومت در سرایشی سقوط قرار گرفت و رهبران و کارگزاران حکومتی به دو گروه تقسیم شدند. گروه اول که از ابی منصور نزار - ولیعهد و جانشین قانونی خلیفه - حمایت می‌کردند، معتقد بودند که همچنان باید از نهضت شیعی اسماعیلیه در سراسر جهان و به خصوص اسماعیلیان ایران در الموت (قزوین) حمایت کرد و گروه دیگر که به وسیله «الافضل بن بدر الجمالی» - وزیر - رهبری می‌شدند و از پسر کوچک‌تر خلیفه «المستعلی بالله» حمایت می‌کردند، بر آن بودند که «باید منافع دولت» را مقدم داشت. «اختلاف میان منافع دولت و انقلاب» که چند بار در دوران خلافت فاطمیان اتفاق افتاده بود، با عمل انتخاب (المستعلی به خلافت) توسط افضل بسیار آشکار شد. افضل قصد داشت تا مبارزان اسماعیلی شرق (ایران) را رها کند و دولت فاطمی مصر را از اعتقادات انقلابی و هزینه‌های دیگر جدا نماید.<sup>۱</sup>

«عمل سریع و نیرومندانه بدر الجمالی به مصر امنیت بخشید و تا حدی آبادی و پیشرفت حاصل شد و چنان‌که گفته‌اند، درآمد سالانه از ۲.۰۰۰.۰۰۰ دینار به ۳.۰۰۰.۰۰۰ دینار افزایش یافت. تجدید سازمان اداری و نظامی مصر که به دست بدرالجمالی صورت گرفت، انقراض فاطمیان را برای مدتی نزدیک به یک قرن به تأخیر انداخت. در آغاز حتی ادعاهای کلی خلافت فاطمیان را از نو زنده کرد و به عنوان واکنشی در مقابل تهدید سلجوقیان [سنی مذهب] به نبردهای نظامی، سیاسی و دینی در سوریه، عربستان و هند پرداخت، ولی این تلاش‌ها حاصلی نداشت و جانشینان وی آنها را دنبال نکردند».<sup>۲</sup>

در نهایت با خروج شمال آفریقا، جزیره سیسیل، سوریه و حجاز از تصرف دولت فاطمی و قحطی‌های چند باره، بیماری‌های واگیر «طولانی ترین وبای قرون وسطی به مدت هشت سال (۴۵۴-۴۴۶) که قصه‌های هولناکی از آن نقل شده است»؛ دولت فاطمی پس از ۲۸۲ سال خلافت، در سال ۵۶۷ ق سقوط کرد.

### ب) رویدادهای اقتصادی و تکرار آن

پیشینه علم اقتصاد و زیر شاخه‌های آن، به بلندای تاریخ زندگی بشری است. تاریخ

۱. آ.ج. بری و دیگران، تاریخ اسلام، پژوهش دانشگاه کمبریج، ترجمه احمد آرام، تهران: امیرکبیر، ۱۳۹۰، ص ۲۶۳.

۲. همان، ص ۲۶۲.

اقتصادی یکی از مهم‌ترین شاخه‌های تاریخ و اقتصاد است. با افزایش جمعیت و کمبود منابع، کنترل اقتصادی و بهینه‌سازی منابع موجود، مورد توجه جدی قرار گرفته است. افزایش هزینه‌های زندگی مردم و به خصوص اقشار پایین جامعه، دولت را مجبور به مداخله در کنترل اقتصادی و گاهی پرداخت وام به مردم می‌نماید. افزایش قیمت‌ها و یا کمبود منابع مالی نیز از مهم‌ترین مشکلات کارگاه‌ها و بنگاه‌های اقتصادی است. دولت‌ها برای تامین نقدینگی برخی بنگاه‌ها، مجبور به پرداخت وام می‌شوند. شتاب بخشیدن به فرایند تزریق نقدینگی، موجب افزایش نقدینگی بدون پشتوانه می‌شود و تورم را بدنبال خواهد داشت. افزایش نقدینگی و عطش تقاضا و از سوی دیگر کمبود عرضه موجب تورم می‌شود. اولین قربانی تورم که آن را «افزایش افسار گسیخته قیمت‌ها» می‌دانند، همان طبقات پایین اقتصادی هستند که گاهی از تامین مایحتاج اولیه خود نیز عاجز می‌مانند.

### ۱. تورم ناشی از افزایش نقدینگی در جمهوری اسلامی ایران

دولت نهم و دهم در جمهوری اسلامی ایران، علاقه وافری به سازندگی و افزایش خدمات رسانی داشت و می‌خواست ایران را به «کارگاه بزرگ سازندگی» تبدیل نماید. کارگزاران آن دولت‌ها، می‌خواستند چرخ اقتصاد ایران را با تزریق نقدینگی به حرکت و دارند و دردها و رنج‌های اقتصادی را کاهش دهند و به سازندگی سرعت دهند. هشدار کارشناسان اقتصادی برای کنترل نقدینگی و لزوم رشد تدریجی و پایدار، چندان مورد توجه قرار نگرفت. مسئولان دولت نهم، رابطه نقدینگی با نرخ تورم را مردود می‌دانستند و به بانک‌ها فشار می‌آوردند که در برابر خواسته‌های روزافزون آنها برای تزریق نقدینگی تسلیم شوند، شتاب بخشیدن به فرایند تزریق نقدینگی کار را به جایی رساند که رئیس کل بانک مرکزی - ابراهیم شیبانی - استعفا داد.<sup>۱</sup>

دستکاری در سیاست‌های پولی و بانکی با فاصله زمانی چندین ساله اثرات خود را نشان داد و مشخص شد که تزریق نقدینگی نه تنها به رفع مشکلات کمک نکرده است، بلکه خود عامل درد و رنج شده است. دولت به ناچار، به دیدگاه‌های کارشناسان و

۱. روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۸۶/۶/۴.

اقتصاددانان مهر تأییدی دیرهنگام زد و متوجه شد که تورم در وهله اول ناشی از افزایش نقدینگی است و مقابله با آن قبل از هر چیز مستلزم کنترل و جذب نقدینگی و هدایت آن به سمت فعالیت‌های مولد اقتصادی است. رئیس کل بعدی بانک مرکزی - طهماسب مظاهری - آمد تا با اجرای سیاست سه‌قفله کردن خزانه بانک مرکزی، مانع از تداوم سیاست سیری‌ناپذیری اقتصاد ایران از نقدینگی بدون پشتوانه شود.<sup>۱</sup>

## ۲. تورم اعتباراتی در سال‌های ۱۳۳۵-۱۳۳۸ شمسی در ایران

در تاریخ علم اقتصاد و تاریخ معاصر ایران «بحران تورم» ناشی از «افزایش نقدینگی» فراوان است. پس از تصویب قانون ملی شدن صنعت نفت در ۲۹ اسفند ۱۳۲۹ شمسی و نخست وزیری دکتر مصدق، ایران - تحت فشار دولت انگلستان و آمریکا - نتوانست نفت بفروشد و حتی شوری از پرداخت مطالبات ایران (طلا و دلار) خود داری کرد.<sup>۲</sup> اوضاع اقتصادی ایران بحرانی شد ولی آمریکا بلافاصله پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ و طی ۶ سال یک میلیارد دلار (بخشی به صورت بلاعوض و بخشی به شکل وام) به ایران کمک کرد و کالاهای مصرفی خارجی به ایران سرازیر شد و تولید داخلی ایران ضربه سختی خورد و بسیاری به بازرگانی خارجی و واسطه‌گری پرداختند. بانک‌های زیادی تأسیس شدند و به دادن اعتبار و وام پرداختند. «ورود بی‌حد و حصر کالاهای خارجی، تولید داخلی را با اشکالات بیش‌تر دچار ساخت و هم اعطای اعتبارات بی‌حساب، تورم اعتباراتی (ناشی از افزایش بی‌رویه نقدینگی) را به وجود آورد».<sup>۳</sup>

۱. روزنامه دنیای اقتصادی همشهری، شنبه ۱۴ اردیبهشت - ۱۳۸۷.

۲. محمدعلی موحّد، مصدق و نهضت ملی ایران، تهران: نشر کامه، ۱۳۷۸، ص ۱۰۷.

۳. سید جلال الدین مدنی، تاریخ سیاسی معاصر ایران، ج ۱۰، قم: انتشارات اسلامی، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۵۸۳.

## نتیجه‌گیری

بزرگ‌ترین آسیب علم تاریخ؛ برخورد گزینشی و گاه کنونی‌اندیشی و یا بررسی تاریخ با نگرش امروزمین است. تکامل بشری انکار ناپذیر است. تاریخ به واسطه انسان‌ها به وجود آمده است و انسان امروزی با بسیاری از پدیده‌ها و پیچیدگی‌ها مواجه است که محصول سده‌ها و یا دهه‌های اخیر است و گاهی ریشه در تاریخ نداشته است. از سوی دیگر «دانش تاریخ» در فرهنگ و تمدن اسلامی جایگاه واقعی خودش را پیدا نکرده است و در نقش یک «دانش حاشیه‌ای» ظاهر شده است، درحالی‌که «تاریخ» مادر علوم است. رویدادها و حوادث تاریخی، از نظم منطقی و درونی برخوردار هستند و باید با فهم قواعد و کلیات حاکم بر حوادث و رویدادهای تاریخی از نقش کاربردی تاریخ در دوران معاصر استفاده کرد و با بهره‌گیری از آن از هزینه‌ها کاست. گذشته چراغ آینده است و می‌توان از تاریخ و رویدادهای گذشته با استخراج قواعد و کلیات عام به تکامل دانش انسانی کمک کرد و سودمندی کامل تاریخ را به نظاره نشست.

## فهرست منابع

۱. ابن خلدون، عبدالرحمن، **مقدمه ابن خلدون**، ترجمه محمد پروین گنابادی، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، تهران، ۱۳۷۵ش.
۲. ابوزهره، محمد، **تاریخ المذاهب اسلامیه**، قاهره، دارالفکرالعربی، بی تا.
۳. ابی عبدالله محمد الصنهاجی، **اخبار ملوک بنی عبید و سیرتهم (تاریخ فاطمیان)**، ترجمه حجت الله جودکی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۸۷ش.
۴. بری، آ.ج. و دیگران، **تاریخ اسلام پژوهش دانشگاه کمبریج**، ترجمه احمد آرام، تهران، امیرکبیر، ۱۳۹۰ش.
۵. البیهقی، ظهیرالدین ابوالحسن علی بن ابی القاسم زید، **تاریخ بیہق**، به کوشش: دکتر قاری سید کلیم الله حسینی، دایرة المعارف العثمانیة، حیدر آباد، ۱۹۶۸م.
۶. حسن، ابراهیم حسن، **تاریخ سیاسی اسلام**، ترجمه ابوالقاسم پاینده، چاپ نهم، تهران، انتشارات جاویدان، ۱۳۷۶ش.
۷. حقیقت، سید صادق، **مسئولیت‌های فراملی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی، تهران، مرکز تحقیقات استراتژیک، ۱۳۷۶ش.**
۸. **روزنامه جمهوری اسلامی**، ۱۳۸۶/۰۶/۰۴ش.
۹. **روزنامه دنیای اقتصادی همشهری**، ۱۳۸۷ش.
۱۰. لاریجانی، محمدجواد، **مقولاتی در استراتژی ملی**، تهران، مرکز ترجمه و نشر، ۱۳۶۹ش.
۱۱. مدنی، سید جلال الدین، **تاریخ سیاسی معاصر ایران**، قم، دفتر انتشارات اسلامی، چ دهم، ۱۳۸۰ش.
۱۲. موحد، محمدعلی، **خواب آشفته نفت: مصدق و نهضت ملی ایران**، تهران، نشر کامه، ۱۳۷۸ش.
۱۳. موسوی خمینی (امام خمینی علیه السلام)، **روح الله، آداب الصلوة**، تهران، مرکز نشر آثار امام خمینی علیه السلام، ۱۳۸۰ش.
۱۴. \_\_\_\_\_، **صحیفه نور**، تهران، مرکز نشر آثار امام خمینی علیه السلام، ۱۳۷۷ش.
۱۵. \_\_\_\_\_، **کشف الأسرار**، تهران، مرکز نشر آثار امام خمینی علیه السلام، ۱۳۷۶ش.

